

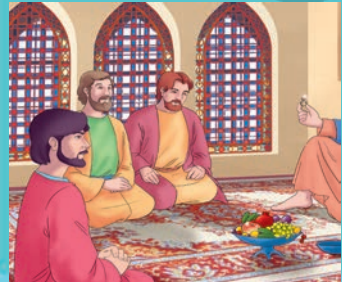
بچه های مسجد

۴۷

ماهنامه کودک و نوجوان
(اسفند ۱۳۹۸)



«بسم الله الرحمن الرحيم» فهرست مطالب

چستان ۱۴	جالب و خواندنی ۸	مقدمه ۳
		
جدول ۲۷	جدول حیوانات ۲۶	بهترین عمل ۲۰
		

رده بندی دیوئی: ۲۹۷/۰۵

سردبیر: محمد محمدی

صفحه آرا: محمد محمدی

تصویر گر: فهیمه حقیقی

تلفن: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۴۵

تیراژ: ۱۰۰۰۰ جلد

عنوان: بچه های مسجد

پدید آور: واحد آموزش و پژوهش امور مساجد خراسان

انتشارات: انتظار مهر ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۸ صفحه مصور رنگی

یادداشت: گروه سنی (ج)

موضوع: دین، کودک و زندگی

شابک: ۹۷۸۶۲۲۶۵۰۵۵۶۷





سلام به همه فرزندان ایران عزیز؛

حتما می دونید که برخلاف خیلی از کشورهای غرب آسیا، مردم کشور ایران خودشون از طریق انتخابات، مسئولین کشور ایران را انتخاب می کنند. حضور پر شور مردم و مشارکت در تعیین سرنوشت خودشون نشانه ای برای دشمنان ایران و اسلام هست. به نظر شما حضور پر شور مردم چه پیامی برای دشمنان ما دارد؟

پاسخ خود را برای ما پیامک کنید: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳

قصاویر شما



بچه های خوب مسجد امام علی علیه السلام بردسکن.



بچه های خوب مسجد امام علی (ع) بردسکن.



بچه های خوب مسجد امام خمینی (ع) شهرک طرق

تصاویر بچه های مسجد خود را برای ما
بفرستید: پیام رسان سروش:
@masjed_k_h

حسین غلامی از مشهد مقدس
از مسجد ولی عصر علیه السلام:

باسلام، لطفا از مقام معظم
رهبری و سردار سلیمانی بیشتر
عکس و نوشته چاپ کنید.

سبحان جوانبخت از مشهد مقدس:

سلام علیکم، لطفا اگر می توانید
از زندگی نامه یاران امام حسین
علیه السلام در کتاب بچه های مسجد
چاپ کنید تا تمام بچه ها با
یاران امام حسین آشنا شوند با
تشکر.

سبحان خانی از بجنورد:

سلام، لطفا داستان های شاهنامه
را نیز در مجله بیاورید.

طاها ریاحی از روستای کردیان:

سلام، مجله ی شما خیلی زیبا و
قشنگی بود و من فکرمی کنم که
رمزش خامنه ای باشد. متشکرم
از شما.

رضا از مشهد مقدس:

سلام، ما به مسجد حضرت رقیه
سلام الله علیها خیلی می رویم. چون
حاج آقای رییس السادات امام
جماعتمون خیلی با ما مهربونه.

خیلی ممنون از اینکه اسم منو
توی نشریه چاپ کردید، وقتی
که اسمو توی کتاب دیدم
بسیار ذوق کردم اگه میشه
لطفا داستان شازده شیر پلو
را در کتاب بگذارید، ممنون
زحمتمکشان.

امیرحسین منزوی از مشهد
مقدس، روستای کوشک آباد:
سلام، تشکر می کنم از زحمات
شما و مجله آموزنده شما، لطفا
پیامک منو هم چاپ کنید.
ممنونم.

امیر مهدی طالب از باخرز روستای
کردیان: من از مجله زیبای شما
لذت بردم ممنون مطالب جدیدی
را بگذارید با تشکر

ابوالفضل صفری از سده خواف:
عرض سلام و ادب خدمت
تمام کسانی برای این مجله
زحمت می کشند، تقاضای کنم
داستان های شهیدان را بیشتر
در مجله بیاورید و همچنین
احکام هایی که برای این سنین
مناسب است.

به ما پیامک بدهید:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳

مهدی عطایی شهرستان باخرز
مسجد صاحب الزمان عجل الله فرجه
کردیان: با سلام، ممنونم از
مجله خوبتون به ویژه بخش
(حقوق بشر قلبی در مجله
شماره ۴۶)، یک بیداری خوب
در این موقعیت.

یگانه فدایی کلاس چهارم از مشهد
مقدس:

ثواب اعضای بدن گوش که صدای
اذان را می شنود و با زانو سجده
می کنیم.

ابوالفضل صفری ۱۳ ساله از خواف:
آقای ترامپ اگر امروز سردار
عزیزمان قاسم سلیمانی را ترور
کردی این را بدان که راه سردار
عزیزمان نه تنها بسته نشد بلکه
راهش را قاسم سلیمانی ها ادامه
خواهند داد.

دعای باران

چند سالی هست که از تلویزیون و بزرگترها شنیدم که کشور ما، ایران، کشور کم آبی هست و در معرض خشکسالی. پدر و مادرم همیشه به من تذکر می دادند که موقع مسواک زدن از لیوان آب استفاده کنم و شیر آب رو مدام باز و بسته نکنم. یا وقتی به حمام می رم از تشت آب برای گرم کردن خودم استفاده کنم و دوش آب رو دائما باز نگذارم. اونها به من یاد دادند که حتی اگر در معرض قحطی و کم آبی هم نباشیم «اسراف» گناه بزرگی هست و باعث می شه نعمت ها از ما گرفته بشه.

یک روز که از خواب بیدار شدم مادرم گفت: «دخترم، مراقب باش امروز آب قطع شده.»

گفتم: «چرا؟!»

مادرم گفت: «مثل اینکه لوله ها ترکیده و مشغول درست کردن لوله ها هستند.»

اون روز به من خیلی سخت گذشت. به خصوص به برادر کوچکترم. چون او نوزاد هست و نیاز به شیر و آب دارد.

با اینکه می دانستم این قطع شدن آب موقتی هست، خیلی ناراحت بودم و توی این فکر بودم که اگر آب برای همیشه نباشد باید چه کار کنیم؟

دوست داشتم بعد از نمازهایم خدا را برای نعمت آب شکر کنم و دعا کنم که این نعمت هیچ وقت از ما گرفته نشود.

یک بار که سر سجاده ام بودم و داشتم بعد از نماز برای باران دعا می کردم صدای نم نم زیبای باران را که به پنجره ی اتاقم می خورد شنیدم. با چادر نماز از اتاق پریدم بیرون و به حیاط رفتم و با خوشحالی داد زدم: «بارون ... ! بارون ... ! خدا جونم شکر! خدایا کمک کن که ما قدر نعمت های تو رو بدونیم.»



جدول اعداد

عزیزم، جدول زیر را کامل کن.

۴	۷		۵				۸	
۵	۹		۳	۸				
			۷			۶	۹	۵
		۳	۱	۹	۵	۸		۶
۹		۲				۳		۴
		۵	۴	۲	۳	۱		
۱	۸	۹			۶			
				۳	۴		۱	۲
	۳				۷		۶	۸

شیر

راسو

دوست خوبم، با آخر حرف یک

حیوان، نام یک حیوان دیگر را بنویس.

خطر اعتیاد!

همیشه پای بازی پلی استیشن و بازی های کامپیوتری نشسته بود.

حتی به زور برای ناهار و شام دست از بازی می کشید. پر خاشگر شده بود. چشماش خیلی وقتها قرمز می شد. حتی شب ها خواب بازی هایی که توی روز انجام داده بود رو می دید.

مامان می گفت پسر من به بازی کردن اعتیاد پیدا کرده. اگر همینطور پیش می رفت دچار بیماری هایی مختلفی می شد. به نظر شما با چنین بجهای چیکار باید کرد؟

خود شما چطور بچه ها؟ چقدر بازی می کنید؟ می دونید بازی های رایانه ای خیلی برای جسم و روح ما ضرر دارند؟

نظر خود را برای ما پیامک کنید: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳



سعید تازه به محله‌ی ما آمده بود. چند باری در راه مدرسه او را دیده بودم اما هنوز او را نمی‌شناختم. من همیشه سعی می‌کنم دوستانم را خودم انتخاب کنم نه بخاطر بغل دستی بودن یا هم کلاسی بودن؛ بلکه با دیدن اخلاق و رفتارشان آنها را به عنوان دوست خودم انتخاب می‌کنم. چون می‌دانم دوست‌ها روی هم اثرات زیادی دارند. سعید را چند بار از دور دیده بودم و تصمیم داشتم امتحانش کنم و اگر پسر خوبی هست از او برای بازی دعوت کنم. یک روز که با رضا و مجید توی کوچه مشغول فوتبال بودیم سعید خودش به سراغ ما آمد. اولش فکر کردم حتما آمده تا از ما بخواهد که او را به بازی راه دهیم. اما سعید حرف دیگری داشت.

او بعد از سلام علیک به ما گفت: «بچه‌ها، توی این ساختمان روبرویی یک پیرمرد زندگی می‌کنه که کمی هم مریض احواله. بهتر نیست به جای بازی کردن توی کوچه، جای دیگه‌ای رو انتخاب کنید؟»

ما خیلی تعجب کردیم. من گفتم: «ولی الان که بعداز ظهره و وقت خوییه و فکر نمی‌کنم الان کسی خواب باشه.»

سعید گفت: «درسته، شاید مردم عادی این موقع از روز خواب نباشن اما اگر کسی بیمار یا مسن باشه یا کسی بچه‌ی کوچکی داشته باشه با سر و صدای توپ اذیت می‌شه. خدا رو خوش نیماذ بخاطر بازی خودمون مردم رو اذیت کنیم. راستی من یه پیشنهادی دارم. یک زمین چمن خوب سراغ دارم که نزدیک اینجاست. میاین با هم بریم اونجا بازی کنیم؟»

من و رضا و مجید از شنیدن اسم زمین چمن خیلی خوشحال شدیم. خوب این خیلی بهتر بود. پس ما قبول کردیم و چهار نفری به زمین چمن رفتیم. از روزهای بعد حتی پدرهامون و چند تا بچه‌های هم محله‌ای دیگه هم به ما ملحق شدن و بازی ما هر روز شادتر و گرم‌تر از قبل شده بود.

من همیشه به این فکر می‌کنم اگر کار اون روز سعید نبود شاید ما هیچ وقت متوجه نمی‌شدیم که بازی ما چقدر می‌تونه برای دیگران آزاردهنده باشه و این یعنی تاثیر دوست خوب.

دوست خوب





زمین بده مقام بگیر!

یکی از اطرافیان رضاخان به فردوست (نزدیک ترین دوست محمدرضا پهلوی) گفته بود: «اگر می خواستی رضاخان خوشحال شود، مقام بدهد یا پیشنهادتان را سریع تصویب کند، بهتر بود قبل از شروع حرف تان، نام چند ملک و مشخصاتش را می گفتی که رضاخان با صاحب شدن آن زمین، کارتان را بهتر انجام دهد!» همه یا لااقل تعداد زیادی از کسانی که حق ملاقات با رضاخان را داشتند، چنین پیشنهاداتی می دادند و این نقطه ضعف بزرگ رضاخان بود.

وقتی ایران توسط متفقین اشغال شده بود، انگلیس رضاخان را یک مهره بی ارزش و سوخته می دانست. رادیو «بی بی سی» سه روز درباره املاک رضاخان توضیح می داد و مدام می گفت: «بزرگ ترین خدمتی که رضاخان به مملکتش کرده، گرفتن تمام اموال مردم شمال ایران است!»

برگرفته

از کتاب

«ظهور و سقوط

سلطنت پهلوی»

جلد اول (خاطرات

فردوست)

صفحه ۱۱۲



وقتی عَلم تهران را دید!

روزی اسدالله عَلم (وزیر دربار محمدرضا پهلوی) در ترافیک سنگین منطقه‌ای فقیرنشین، لحظاتی بی‌چارگی مردم را دید و اعتراف کرد که شاه هرچقدر هم خوش بین باشد، وضع زندگی مردم این جا بهتر نمی‌شود!

عَلم می‌گوید: «تمام خیابان‌هایی که به بزرگراه می‌خورند، کثیف و خاکی هستند. چند مرد وزن چادری با بقچه‌های زیر بغل، از حمام به خانه می‌روند. دور چرخ لبو فروشی شلوغ است. گوشه خیابان چند سگ ولگرد و چند بچه لخت لابه‌لای زباله‌ها می‌لوند و پلیسی که مدام سیگار می‌کشد، طوری با مردم بد رفتاری می‌کند که انگار پادشاه‌شان است!»

عَلم در این یادداشت، به یاد خوبی‌های روسیه می‌افتد و می‌نویسد: آن‌ها اگر هم فقیر دارند، حداقل آدم‌هایی مثل من، پولدار و سوار بر ماشین گران قیمت «کرایسلر امپریال» در مناطق فقیرنشین‌شان دیده نمی‌شود!

برگرفته از کتاب «گفت و گوهای من با شاه»

جلد اول (یادداشت‌های اسدالله علم)، صفحات ۱۷۸ و ۱۷۹

بسم

برخی توصیه‌های ک
برای استفاده هرج

هرچه بید

عزیزان من! رابطه خودتان را با خ
بخصوص در این ماههای مبارک که
با خدا، و راز و نیاز کردن با مع

۶/۹/۵
رهبرانقا



بیشتر خوارینم



تربین خان اول وقت



ریا‌های ماه اجب‌را خوارینم

مهرماه

خوشی
اخلاق
باشید

اربردی رهبر انقلاب
به بهتر از ماه رجب

شهر: بهمن

قرآن
تلاوت
کنید



خدا، هر چه می‌توانید مستحکم‌تر کنید؛
ماه‌های دعا، استغاثه، رابطه گرفتن
شوق حقیقی هر انسان است.

عید
۱۳۷۲
تاب

روزه بگیرید



آنگاه پیشه‌ی شریفی



اگر به زندگی مصر
حداقل در تعویض وسایل

ماشین تون خیلی تک
گذاشتمش تو دیوار،



مصرف

البته اعتدال را
بعضی چیزها لازم است

اینا رو پدر بزرگه
داده که بپوشم و



از وسایلتان درست استفاده کنید.
عوض کردن هر چیزی، وقتی دارد...

خانوم! بیا به این بچه حالی کن
شارژ موبایل که تموم می‌شه؛ باید بزنیش به برق.
گیر داده یه گوشی جدید براش بخرم!!



۱

زندگی مصرفی، عاقبت خوبی ندارد.
ممکن است ضررش به خودتان هم برسد...

پسر گلم! آماده شو، پیک دم دره که ببردت.
تکراری شده بودی، این رو جات گرفتم!!
مصرفش کمتره، عقلش هم بیشتره!



۶

۵

فی عادت کرده‌اید
ز مغزتان استفاده کنید...

تراری شده بود
باش اینو گرفتم!!

۲



به چیزهایی که خودتان دارید، قانع باشید...

عیال!
این دندون مصنوعی‌های منو ندیدی؟؟!

۳



مصرف‌گرایی، چیز خوبی نیست. باعث می‌شود
که عادت کنید به خریدن چیزهای غیرضروری...

مامان! کارت‌تون همراهم بود
دویست تا برس سیبیل خریدم!!
ارزون می‌داد!

۴



هم رعایت کنید.

ه موقع عوض شوند...

م از پدرش گرفته بود.
برسونم دست نوه‌هام!!



زنگ نقاشی

جغد زیبای زیر طبق مشخص شده طراحی کنید





(ارسالی از بی نام): علی: چرا در قدیم شوها دروازه داشتند؟ احمد: چون در آن زمان همه مردم فوتبالیست بودند.

(ارسالی از محمد مهدی غفرانی): اولی: اگه توی دریا خواستی غرق بشی چکار می کنی؟ دومی: میرم بالای درخت. اولی: توی دریا که درخت نیست. دومی: مجبورم؛ میفهمی؟؟؟

(ارسالی از ابوذر شمس آبادی): آیا می دانید گاوها از چه زمانی شاخ درآوردند؟ گاوها از اول شاخ نداشتند، گاوها می دیدند که برخی گاو داران شیر را با آب قاطی می کنند و گاوها از این کار شاخ درآوردند.

شما هم لطیفه های خنده دارتونو برای ما پیامک کنید:

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳



حجاج ابن یوسف، حاکم خونخواری بود که بی کمتر کسی رحم می کرد. امام علی علیه السلام سالها پیش از اینکه حجاج به حکومت برسد در مورد او فرموده بود:

«آگاه باشید، به خدا سوگند، پسرکی از طایفه ثقیف که هوسباز و متکبر است بر شما مسلط می شود و کشتزارها و باغهای سرسبز شما را به غارت می برد.»

شخص مومنی در زمان حجاج زندگی می کرد که به دستور حجاج بن یوسف، حاکم خونخوار کوفه، به جرم همکاری با خوارج دستگیر شده بود؛ یک اتهام دروغ، حجاج مرد را به مامورش سپرد تا فردا به حسابش برسد.

مرد نگران خانواده و وصیت هایش بود. چند بار به مامور التماس کرد بگذارد امشب را با خانواده بگذراند و صبح زود باز گردد. مامور منقلب شد و آزادش کرد.

مرد می رفت و مامور به شدت از اشتباهش پشیمان بود. تا صبح از وحشت مجازات حاکم بی رحم خواب به چشمانش نیامد.

آفتاب درنیامده، مرد خودش را به مامور رساند. در جواب

وفایا!

تعجب مامور گفت: «هر کس عهد کند، باید به آن وفادار باشد.»
حجاج با شنیدن ماجرا متحیر شد، مرد را به مامور بخشید.
مامور هم آزادش کرد.
وفای به عهد، مرد بی گناه را از شکنجه و مرگ نجات داد.
ایمان و عمل صالح با خواست خدا انسان را از خوانخوار ترین
افراد هم محافظت می کند.



دافستنی ها



قورباغه ها بیشتر از طریق
پوستشان آب می نوشند

فیل ها روی زمین ولو
می شوند و در خواب خُر خُر
می کنند.



عجیب است اما زرافه ها
ایستاده می خوابند



شاید برایتان جالب باشد که گیاهان گروه بزرگی از گونه‌های زندگی هستند و شامل موجودات زنده آشنایی چون درختان، علف، بوته، سبزه و ... می شوند.

گیاه یک موجود زنده و دارای تعداد زیادی سلول است که عموماً فاقد اراده است.

گیاهان هم بیمار می شوند. بیماری گیاهان بر اثر عوامل مختلفی مانند شرایط آب و هوایی یا برخی آفتها پیش می آید

گیاهان از آن چیزی که تصور می شود پیچیده ترند! مردم تصور می کنند که ریشه ی گیاهان در برابر حملات عوامل بیماری زا واکنشی ندارند؛ آنها در این مواقع امواجی با طول موج بلند از برگ به ریشه ارسال می کنند و ریشه با تولید مواد آلی به این درخواست کمک پاسخ می دهد.

مخلوقات خدا آنقدر عجیب اند که نمی شود به همه اسرارشان پی ببریم.

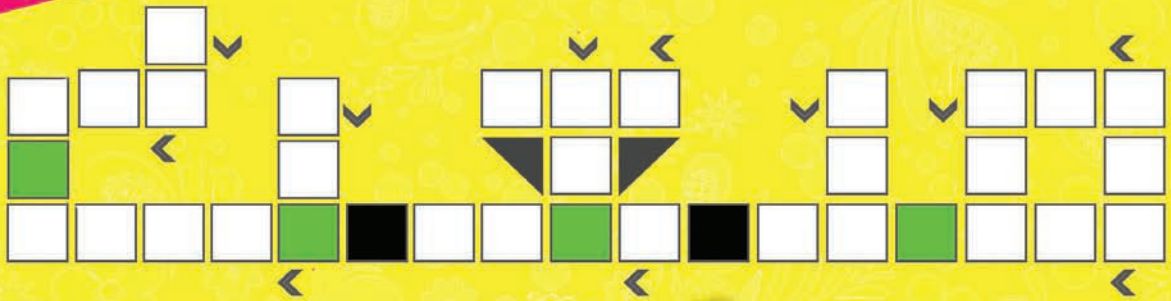
منبع: بیتوته



اختلافات موجود در دو تصویر زیر را پیدا کنید:



اسامی برندگان:



مبارک باد.

سوالات:

۱- ماهی

رمز جدول:

۲۷



نشریه **بچه‌های مسجد**، ماهنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان عزیز است

که توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان در بین

بچه‌های مسجدی توزیع می‌گردد.

شما خواننده گرامی می‌توانید پیشنهادات و انتقادات خویش را

به سامانه پیامکی **۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳** ارسال نمایید.